

مقاله علمی

تحلیل ساختاری قصه‌های عامیانه خراسان جنوبی براساس روش

ساختاری ولادیمیر پراپ*

فریبا کاهنی^۱، بی بی اقدس اصغری^۲

(تاریخ دریافت: ۹۹/۰۸/۲۹، تاریخ تأیید: ۹۹/۱۱/۱۵)

چکیده

الگوی ریخت‌شناسی پراپ یکی از بهترین و دقیق‌ترین شیوه‌های طبقه‌بندی، تجزیه و تحلیل ساختار و قالب قصه‌ها است. پراپ با مطالعه قصه‌های پریان روسی به نتیجه رسید که این قصه‌ها به رغم تنوع و تکرار از نوعی وحدت و همانندی برخوردارند. هدف پژوهش ما بررسی شخصیت‌های قصه‌های عامیانه خراسان جنوبی است. این پژوهش با رویکرد کیفی و براساس روش ساختارگرایی پراپ انجام شده است. جامعه آماری ما کلیه قصه‌های عامیانه خراسان جنوبی است. تعداد سی و نه قصه جمع‌آوری و تدوین شد که از این تعداد براساس تکراری بودن، سی و یک قصه انتخاب گردید تا چگونگی تطبیق قصه‌های یاد شده و شخصیت‌های آن‌ها با روش پراپ نشان داده شود و ساختار کلی قصه‌ها و قوانین حاکم بر آن‌ها مشخص گردد. نتایج نشان می‌دهد که روش پراپ بر قصه‌های عامیانه خراسان جنوبی قابل انطباق است. همچنین سی و یک خویشکاری و هفت شخصیت تعریف شده او با این قصه‌ها مطابقت دارند. افزون بر این، همه قصه‌ها با یک حرکت آغازین شروع شده و بیشتر آن‌ها دست کم حامل یک اندرز می‌باشند.

کلیدواژگان: ولادیمیر پراپ، ساختارگرایی، ریخت‌شناسی، قصه‌های عامیانه، خراسان جنوبی

* این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد می‌باشد

۱ دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد، گناباد، ایران
fa.kaheni@yahoo.com

۲ استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد، گناباد، ایران (نویسنده مسئول)
a_asghari2002@yahoo.com

مقدمه

ادبیات عامیانه هر ملت نشانگر فرهنگ و اندیشه‌های قومی اوست و از بررسی آن‌ها می‌توان به سنت‌ها و فرهنگ‌های اقوام گوناگون که از راه مهاجرت، جنگ و تجارت وارد شده و ماندگار گشته‌اند پی برد و با جدا کردن آن‌ها به بازنگری فرهنگی قوم پرداخت. قصه‌های عامیانه بخشی از ادبیات عامیانه به شمار می‌روند (مظفریان، ۱۳۹۱: ۲۱۳). قصه‌های عامیانه جلوه‌گاه فرهنگ هر ملت است و از آرزوها و تخیلات مردم شکل می‌گیرد. در واقع سرچشمه این قصه‌ها، باورها و آیین‌های آغازین انسان هاست. با توجه به اینکه اسطوره‌ها نیز جزئی از فرهنگ هر ملت به شمار می‌آیند و یکی از عناصر سازنده قصه‌ها می‌باشند، باید گفت اسطوره‌ها و قصه‌ها به نوعی از یک ریشه اما با سمت و سوی متفاوت تغذیه می‌شوند. قصه‌های عامیانه ایرانی از کهن‌ترین تا متاخرترین، از قصه‌های جن و پری گرفته تا رمان و داستان‌های عیاری همگی سرشار از باورهای اسطوره‌ای‌اند (همان: ۲۱۳). لوی استروس به عنوان یکی از بزرگان و پیشروان مکتب ساختارگرایی پیش از این که ساختار را توضیح دهد تعیین می‌کند که ساختار چه چیزهایی نیست و از نظر وی ساختار در وهله اول غیرقابل مشاهده است که توسط پژوهشگر بازشناخته می‌شود. ساختار پیوند میان عناصر است و از ناخودآگاه برمی‌خیزد. از نظر او ساختار چیزی محسوس در جهان خارج نیست و تنها جنبه ذهنی دارد (جواری و رضایی، ۱۳۹۵: ۴۵).

این پژوهش درصدد بررسی تحلیل ساختاری قصه‌های عامیانه خراسان جنوبی براساس الگوی ساختارگرایی ولادیمیر پراپ از مکتب فرمالیست روس است که در نتیجه این تحقیق میزان نزدیکی و سازگاری و یا عدم مطابقت با الگوی مزبور نشان داده می‌شود.

فولکلور به آن بخش از دانش و هنر گفته می‌شود که به صورت شفاهی و زبان به زبان از نسلی به نسل دیگر منتقل گردد (جعفری قنواتی، ۱۳۸۴: ۱۰۳). دکتر معین در شرح فولکلور می‌گوید: فولکلور مرکب از فولک، توده و لور دانش است. فولکلور علم به آداب و رسوم توده مردم، افسانه‌ها و تصنیف‌های عامیانه یا توده‌شناسی است که قلمرو بسیار گسترده‌ای دارد. ذهن هر فرد از پندارها، سخن‌ها، باورها و ادب عامیانه مردم دیارش انباشته است (فهندژ سعدی، ۱۳۹۴: ۱۱۰).

ادبیات عامیانه یکی از شاخه‌های مهم فرهنگ مردم است که زمان پیدایش آن مربوط به پیش از دوران نوشتار است و به صورت شفاهی و از نسلی به نسل دیگر به امروز رسیده است. ادبیات عامیانه با واقعیت‌های زندگی عادی مردم پیوند دارد و بازتابی از زندگی اجتماعی و فرهنگی آنان است. از نظر تاریخی بر ادبیات تالیفی یا مکتوب تقدم دارد زیرا انسان هزاران سال پیش از آن که خط را اختراع کند و وارد مرحله تاریخی شود، توانایی سخن گفتن را پیدا کرده

بود (حسنعلی‌پور، ۱۳۹۵: ۱). ادبیات عامیانه که گاه ادبیات شفاهی هم گفته می‌شود شامل: قصه، مثل، مثل، چيستان، ضرب المثل، داستان و اسطوره است. شکل انتقال در آن، شفاهی و نسل به نسل است؛ سرگرم کننده و پرکننده اوقات فراغت می‌باشد و بین شنوندگان ایجاد نشاط می‌کند و به زبان گفتاری مردم است و مهم‌تر از همه، جنبه آموزشی و تربیتی دارد.

قصه قدمتی دیرین در عرصه فرهنگ و انتقال مفاهیم انسانی دارد و سازگارترین فرم کلامی با ذهن و افکار بشری است. شاید از همین رو است که کتاب‌های آسمانی و دینی اغلب پیام خویش را در قالب قصه بیان داشته‌اند (بلاوی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۱). قصه‌های عامیانه، بی‌تاریخ و بی‌زمان‌اند. عشق به قصه‌گویی و شنیدن قصه در تمام طول تاریخ تمدن با آدمی همراه بوده است. قصه‌های عامیانه به آسانی با هر محیط اجتماعی و محلی انطباق می‌یابند و از این رو، در عین کهنگی تازه و امروزی هستند و شنیدن آنها در دنیای پر از مشغله کنونی باعث آرامش و لذت و نیز باعث برانگیخته شدن حسن وطن دوستی و سرزمین مادری می‌شود. روایت قصه و قصه‌گویی تنها برای سرگرمی و پرکردن اوقات فراغت نبوده، اهمیت آن در یادگیری و آموزش مفاهیم تربیتی و اخلاقی است.

داستان یعنی شرح رخدادهایی پیوسته، که بی‌درپی در ذهن و افکار مردم شکل می‌گیرد (میرشکرائی، ۱۳۸۳: ۵). رخدادها درکنار هم قصه را می‌سازند و از آنجا که هر قصه و داستانی روایت است به راحتی می‌توان گفت که از زمان پیدایش و خلق انسان هیچ عصر و زمانی خالی از روایت و داستان نبوده است. دامنه و عرصه روایات از یک سو به ارسطو می‌رسد و از طرفی دیگر به رمان مدرن (فرضی و فخریمی‌فاریابی، ۱۳۹۶: ۱۱۹). اسطوره‌ها قصه‌هایی هستند که مردمان زمانه‌های کهن با تصوراتی که از آغاز هستی و آفرینش موجودات داشته‌اند پدید آورده‌اند. بسیاری از قصه‌ها از اسطوره‌ها به جا مانده‌اند و داستان‌ها و قصه‌های نوروز نیز از این قبیل هستند (میرشکرائی، ۱۳۸۳: ۵).

ساختارگرایی روش، آیین، مد، روشن فکری، ایدئولوژی و ... تعریف شده است و اما پراپ آن را روابط متقابل میان اجزاء سازه‌ای یک شیء یا یک موضوع فولکلوریک می‌دانند. ساختارگرایی با حرکت از مطالعه زبان به مطالعه ادبیات، و تلاش برای تعریف اصول ساختار دهی که نه فقط در آثار منفرد که در روابط میان آثار در کل عرصه ادبیات عمل می‌کند تا مهم‌ترین و علمی‌ترین مبنای ممکن را برای مطالعات ادبی فراهم نماید. پراپ نماینده موضع فرمالیستی در دل ساختارگرایی ادبی بود و در کار خود تلاش کرد تا ثابت کند که همه قصه‌ها و داستان‌های بومی و محلی از ساختاری واحد و یکسان برخوردار هستند (بلاوی و همکاران،

۱۳۹۶: ۱۶۵). ریخت‌شناسی به معنی توصیف قصه‌ها بر پایه اجزاء سازنده آن‌ها و اتحاد، همبستگی و ارتباط این سازه‌ها با همدیگر و یا با کل قصه است (همان). ریخت‌شناسی را می‌توان یکی از مطالعات جدی ساختارگرایان به شمار آورد (میرهاشمی و سعادت‌نی، ۱۳۹۵: ۷۴-۷۵). ریخت‌شناسی یعنی بررسی و شناخت ریخت‌ها که این روش را می‌توان با روش علم گیاه‌شناسی مقایسه کرد زیرا در گیاه‌شناسی، ریخت‌شناسی یعنی بررسی و شناخت اجزاء تشکیل‌دهنده گیاه و ارتباط آن‌ها با یکدیگر و یا با کل گیاه (بلاوی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۵). بنابر این، ریخت‌شناسی قصه را می‌توان بررسی قصه‌ها براساس واحدها و اجزاء کوچک، ارتباط واحدها با یکدیگر و با کل قصه معنا کرد (فرضی و فخیمی فاریابی، ۱۳۹۶: ۱۲).

پراپ از نویسندگان فرمالیست روس با تدوین کتاب ریخت‌شناسی قصه‌های پریان، گامی مهم در شناخت مقوله ریخت‌شناسی و تحلیل قصه‌های پریان برداشت و با این کار خود، آغازگر علم روایت‌شناسی نوین شد. او با ارائه الگوی خود صد و ده داستان پریان را مورد تحقیق قرار داد و متوجه شد که داستانها علی‌رغم تنوع در ظاهر و موضوع، از یک وحدت ساختاری پیروی می‌کنند به طوری که هر داستان از سی و یک عملکرد و هفت شخصیت بیرون نیست و از بافتی مشابه برخوردار است. طبق نظر او همه این خویشکاری‌ها در هیچ قصه‌ای همزمان یافت نمی‌شوند و برای هر خویشکاری، خلاصه‌ای فشرده از آن خویشکاری را با یک نشانه قراردادی مشخص نمود، مثلاً صحنه آغازین (a)، غیبت (b) و ... (بلاوی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۷). خویشکاری‌ها اجزاء سازنده حکایت‌ها هستند و جزء عناصر ثابت می‌باشند و مستقل از شخصیت‌هایی هستند که آن‌ها را انجام می‌دهند. درحقیقت آن‌ها سازه‌های بنیادین یک قصه محسوب می‌شوند (همان: ۷۸-۷۵). پراپ برای شناسایی عناصر پایدار و ثابت (خویشکار) و عناصر متغیر (شخصیت‌ها) در قصه‌های پریان روشی به این اصل می‌رسد که هرچند شخصیت‌ها در حکایت‌ها متفاوت‌اند، اما کارکرد آن‌ها در حکایت، پایدار و محدود می‌باشد (همان: ۱۶۵).

پراپ از تجزیه و تحلیل قصه‌ها به چهار قانون می‌رسد:

- ۱- تعداد نقش ویژه‌ها در حکایات پریان محدود است.
- ۲- عناصر ثابت و دایمی حکایت‌ها را نقش ویژه‌های شخصیت‌ها تشکیل می‌دهند.
- ۳- جایگزینی و توالی نقش ویژه‌ها همواره یکسان و یکنواخت است.
- ۴- همه حکایت‌های پریان از لحاظ ساختار یک گونه هستند و می‌توان آن گونه نهایی را کشف کرد (همان: ۱۶۷).

گاه یک شخصیت بیش از یک نقش بر عهده دارد، برای نمونه شاید یکی از افراد قصه هم شرور باشد و هم قهرمان و گاهی هم چند نفر یک نقش را بر عهده داشته باشند. پراپ این نظام توصیفی را درباره مجموعه داستان‌هایش با دقت باریک بینانه به کار بست (تولان، ۱۳۸۳: ۲۹)، مثلاً در همین قصه‌های خراسان جنوبی در داستان شماره ۸ از جدول ۱، «دو برادر» قهرمان هر دو نفر هستند. شخصیت‌ها از عناصر متغیر داستان‌ها و حکایت‌ها به شمار می‌آیند و در حکایت‌های مختلف به شکل‌ها و صورگوناگون ظاهر می‌شوند و رابطه تنگاتنگی میان شخصیت‌ها و طرح داستان وجود دارد. هفت شخصیت عمده در داستان‌های پریان عبارتند از: شریر، بخشنده، یاریگر جادو، جستجو شونده، اعزام کننده، قهرمان و قهرمان دروغین (میرهاشمی و سعادت‌نی، ۱۳۹۵: ۸۴). تاکید کار پراپ بر روی اعمال شخصیت‌ها است. او با بررسی قصه‌های روسی نتیجه گرفت که مبنای قصه‌ها براساس کارکردهای شخصیت‌ها است که از نظر تعداد محدود، از لحاظ ترتیب و توالی یکنواخت و از جنبه ساختاری همه از یک نوع هستند که از تمام قصه‌ها می‌توان به این موضوع پی برد (فرضی و فخریمی فاریابی، ۱۳۹۶: ۱۲۰). در بعضی موارد خواست و نیت شخصیت در روند عملیات تاثیر ندارد و اما کردار و رفتار آنان ارزیابی و تعریف می‌شود. چه بسا شخصیتی با انگیزه شرارت به صورت ناخودآگاه در حوزه عملیات یا یاریگر و بخشنده شرکت می‌کند یا برعکس آن (همان: ۱۳۰-۱۲۹). پراپ به این نتیجه رسید که اگرچه در این قصه‌ها شخصیت‌ها و افراد متفاوت هستند اما عملکرد آن‌ها محدود است (میرهاشمی و سعادت‌نی، ۱۳۹۵: ۷۵).

پس نتیجه می‌گیریم که در داستان‌ها هدف مشخص نمودن شخصیت افراد است نه خود شخص، به همین علت تاکید بر شخصیت پردازی نیست بلکه تاکید بیشتر بر روی کارکردهای اشخاص می‌باشد. از بررسی قصه‌ها و مطالعات پیشین به این نتیجه می‌رسیم که در داستان‌های بومی در سخن گفتن شخصیت‌ها چه شاه و گدا تفاوتی وجود ندارد و همه به یک مدل صحبت می‌کنند و سخن می‌گویند. تنها اختلاف آن‌ها در رفتارها و نوع آن‌ها می‌باشد. زمان وقوع حوادث مشخص نیست فقط اشاره به صبح و شام و ... شده است و به زمان تاریخی آن هم اشاره‌ای نمی‌شود. کودکان از طریق قصه‌ها با مشکلات و مسائل زندگی آشنا می‌شوند و به رشد اجتماعی مطلوب می‌رسند.

در قصه‌های عامیانه خراسان جنوبی طبق الگو و روش پراپ، قصه با غیبت و یا فقدان قهرمان داستان آغاز می‌شود، با نادیده گرفتن نهی و نقض‌ها زمینه برای بوجود آمدن شرارت

فراهم می‌شود، با مبارزه و درگیری قهرمان با شریر و ضد قهرمان ادامه می‌یابد و در پایان با مجازات شریر و عروسی و رسیدن قهرمان به پادشاهی خاتمه می‌یابد. از آنجا که اغلب قهرمان خوب قصه‌ها در پایان کامیاب می‌شود کودک هم از طریق غریزه تقلید تحت تاثیر شخصیت قهرمان قرار گرفته، از گفتار و کردار او تقلید می‌کند و همچنین با گوش دادن به قصه علاقمند به کتاب می‌شود و انس با آن پیدا می‌کند. محتوای بیشتر این قصه‌های محلی بیان مفهوم زندگی مردم اجتماع است که با بیانی اغراق آمیز به صورت قصه درآمده است. اکثر قصه‌های رایج در استان دربرگیرنده نکات اخلاقی است و تعمق در آنها لازم و ضروری می‌باشد. اگرچه تا کنون پژوهش‌های زیادی در زمینه ریخت‌شناسی پراپ انجام شده است اما پژوهش حاضر تحلیل ساختاری قصه‌های عامیانه خراسان جنوبی بر اساس الگوی ولادیمیر پراپ است که در پژوهش‌های گذشته انجام نشده است.

اهداف

- ۱- کوشش برای ثبت و ترویج ادبیات شفاهی استان خراسان جنوبی و حفظ هویت و فرهنگ خویش
- ۲- کوشش برای ثبت و ضبط قصه‌های عامیانه و جلوگیری از زوال و از بین رفتن آنها درگذر زمان

ضرورت تحقیق

ساده و بی‌پیرایه بودن ادبیات عامیانه نباید باعث بی‌توجهی، عدم بازنویسی آنها و بیگانگی نسبت به فرهنگ‌های محلی گردد به طوریکه این گنجینه ارزشمند دردل صاحبان خود مدفون شود. نباید نقش آموزشی این قصه‌ها را در استحکام رفتارهای اجتماعی و تحکیم اصول اخلاقی نادیده گرفت. ثبت این قصه‌ها باعث پایداری فرهنگ‌های قومی و محلی می‌گردد.

پیشینه مطالعاتی

رسول بلاوی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله ریخت‌شناسی قصه موسی در قرآن براساس نظریه ولادیمیر پراپ به توصیف و تحلیل پرداختند و مهم‌ترین نتایجی که گرفتند عبارتند از: در الگوی پراپ قصه‌ها با ازدواج و سلطنت و یا هر دو پایان می‌یابد اما در داستان موسی ازدواج در اواسط قصه روی می‌دهد و در پایان قصه، نجات از دست شریر و به هلاکت رسیدن آن است و اینکه یاری خداوند رمز موفقیت و پیروزی قهرمان است که ناشی از تاثیرات دین و اعتقادات مذهبی

در قصه‌های قرآنی است. سید مرتضی میرهاشمی و زهرا سعادت‌نی (۱۳۹۵) مقاله ریخت-شناسی افسانه ماهان مصری را براساس نظریه پراپ مورد تحلیل و بررسی قرار داده، به این نتیجه رسیدند که داستان نظامی از جمله داستان‌هایی است که با این الگو می‌تواند بررسی شود و بسیاری از خویشکاری‌ها و شخصیت‌های مورد نظر پراپ با این افسانه هم‌خوانی دارد. در اینجا ۱۷ خویشکاری پراپ را مشاهده می‌کنیم و همچنین حرکت قصه و وضعیت آغازین در افسانه ماهان با نوع دوم صحنه آغازین مورد نظر پراپ مطابقت دارد. حمیدرضا فرضی و فرناز فخریمی فاریابی (۱۳۹۶) در ریخت‌شناسی منظومه گل و نوروز خواجهی کرمانی براساس نظریه پراپ مشخص نمودند که این داستان با الگوی پراپ هم‌خوانی دارد و با رخ دادن ۲۸ کارکرد از عملکردهای پراپ می‌توان گفت که تطبیق الگوی پراپ با داستان‌های ایرانی امکانپذیر است.

مبانی نظری

ساختارگرایی یکی از اندیشه‌های رایج در علوم اجتماعی است. روش ساختارگرایی در نیمه دوم سده بیستم از سوی تحلیل‌گران زبان، فرهنگ، فلسفه ریاضی و جامعه به گونه‌ای گسترده بکار برده شد. اندیشه‌های فردیناند دوسوسور را می‌توان آغازگر این مکتب دانست. پس از وی ساختارگرایی تنها به زبان محدود نشد و در راه‌های گوناگون بکار رفت. سپس ساختارگرایی توسعه یافت و با در نظر گرفتن موضوعات، مردم‌شناسی اسطوره‌ای رشد و گسترش یافت (ازکیا و مختارپور، ۱۳۹۱: ۸). ساختارگرایان به این نتیجه رسیدند که زبان یک ساختار اجتماعی است و هر فرهنگ برای رسیدن به ساختارهای معنایی، روایت‌ها و متن‌ها را وسیع و متحول می‌کند و بدین شیوه، مردم می‌توانند تجارب خود را سامان دهند و معنا بخشند (جهانگلو، ۱۳۸۴: ۵۰). روایت‌شناسی علمی نوین در حیطه نقد ادبی است و از مهمترین عناصر ورود به حوزه نقد ادبی به شمار می‌رود. به کمک این فن، می‌توان مفهوم روایت را جست و جو کرد و روابط درون متن را آشکار ساخت. لایه‌های مختلف موجود در یک اثر، دستور زبان روایت و ساختارهای پنهانی موجود در روایت یاریگر این علم نوپا شناخته می‌شوند (منتظرپناه، ۱۳۹۰: ۱).

کلود لوی استروس (۱۹۰۸-۲۰۰۹) قوم‌شناس و مردم‌شناس فرانسوی را به عنوان پدر مردم‌شناسی نو و مهمترین نماینده مکتب ساختارگرایی می‌شناسند. مهمترین مطالعات او بررسی ساختار خویشاوندی، ساختار اسطوره و ارائه نظریات ارزشمندی در این زمینه است. اندیشه‌های او به عنوان پدر و بنیانگذار جنبش ساختارگرایی در مردم‌شناسی، مستقیم و غیرمستقیم بر بسیاری از نظریه‌پردازان برجسته معاصر تاثیر داشته است. لوی استروس به علوم دیگری چون

اسطوره‌شناسی و نشانه‌شناسی نیز توجه داشته است (جواری و رضایی، ۱۳۹۵: ۴۴) اما محور مطالعاتی او در مردم‌شناسی اسطوره است. وی معتقد است که اسطوره فقط افسانه نیست بلکه پیامی به همراه دارد؛ البته مشخص نیست که چه کسی پیام را می‌فرستد اما گیرنده پیام مشخص است. پس می‌توان اسطوره‌ها را تحلیل کرد تا جایی که به معنای آن دست یافت و اسطوره را باید در کلیتش شناخت. لوی استروس می‌گوید هر اسطوره را می‌توان به آسانی به بخش‌ها یا رویدادهایی تقسیم کرد. افراد داستان در مقام اشخاص اغلب می‌توانند جایگزین یکدیگر شوند یعنی شخصیت فردی آنها چندان در ساخت داستان اهمیت ندارد (همان: ۵۲-۵۰). اندیشه لوی استروس این است که افسانه‌ها ابزاری برای پردازش مسائل منطقی هستند. آنها ابداع می‌شوند تا واسطه حل معماهای اساسی یا تناقضات در محدوده فرهنگی باشند که به سادگی قابل حل نیستند. معنا در اسطوره نیست بلکه اسطوره‌ها و تصوراتی که اسطوره‌ها ایجاد می‌کند ساختارهایی هستند که از طریق آنها معنای بقیه جهان درک می‌شوند (همان: ۴۸). حقیقت دیگری که لوی استروس با رویکرد ساختارگرایانه بررسی می‌کند مربوط به داستان‌های اسطوره‌ای است. شباهت بین اسطوره‌ها در فرهنگ‌های مختلف دنیا او را به خود جذب می‌کند و در پی یافتن این شباهت‌ها به سراغ اسطوره‌های مردم نقاط مختلف دنیا می‌رود تا با نقد ساختارگرایانه آنها را تحلیل کند. اسطوره‌های نقاط مختلف دنیا نه تنها شبیه به هم بلکه تقریباً یکسان هستند. او نتیجه می‌گیرد که عناصر اسطوره معنای خود را از نحوه در کنار هم قرار گرفتن می‌یابند نه از ارزش درونی و ذاتی خودشان (موسوی رضوی، ۱۳۹۷: ۵۵۸).

ولادیمیر پراپ در ۱۷ آوریل ۱۸۹۵ در سن پترزبورگ در یک خانواده روسی متولد شد. والدین او، دهقانان ثروتمند آلمانی از استان ساراتوف بودند. او تحصیلات خود را در دانشگاه سنت پترزبورگ (۱۹۱۳-۱۹۱۸) گذراند. او محقق فرمالیست و روس‌تباری می‌باشد که به واسطه ارائه تجزیه و تحلیل‌های ساختارگرایانه از قصه‌های عامیانه روسیه و تفکیک سی و یک فونکسیون ویژه در بین همه این قصه‌ها، در نهایت به هفت شخصیت بنیادی پی می‌برد. اندیشه‌های پراپ در این خصوص، تأثیر عمیقی بر تحقیقات فولکوریک در دانشگاه‌های غرب بر جای گذاشت. پس از بررسی حکایت پریان روسی به این نتیجه رسید که علی‌الرغم متغیر بودن پرسوناژهای حکایت، کارکردهای آنها در حکایت محدود و ثابت است و جمع این کارکردها از سی و یک تجاوز نمی‌کند و هر یک از این کارکردها که در حکایت خاص وجود داشته باشند همواره با ترتیبی ثابت در داستان می‌آیند. براین اساس توانست یک شاه حکایت را استخراج کند که شامل تمامی این سی و یک کارکرد است (همان: ۵۵۹). به اعتقاد پراپ تقسیم‌بندی قصه‌ها، به

خصوص قصه‌های پریان براساس موضوع، نتیجه‌ای جز آشفتگی و بی‌نظمی نخواهد داشت و عملاً غیرممکن است (منتظرپناه، ۱۳۹۰: ۱۲۶). پراپ کار خود را با طبقه‌بندی و سازمان‌دهی قصه‌های عامیانه آغاز کرد و کوشید روشی ارائه دهد که بررسی ساختار داستان بر مبنای ویژگی‌های خود داستان باشد و محتوا و ابزار بررسی، در بیرون از متن جست و جو و تحلیل نشود و کشف کرد که جمع کل کارکردها از سی و یک تجاوز نمی‌کند (فورجانی زاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۷۱). او به سی و یک خویشکاری و هفت شخصیت در قصه‌های پریان پی برد. ساختار داستان‌ها را به صورت علمی و ریاضی‌وار مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و برای هر خویشکاری تعریفی اختصاری در یک کلمه بعنوان نشانه قراردادی مشخص کرد. می‌توان گفت که اختصاص نماد ویژه‌ای برای هر خویشکاری یکی از مهم‌ترین بخش‌های اجرائی الگوی پراپ بوده است (همان). حاصل نتایج پراپ این است که در یک قصه کارهای مشابه به شخصیت‌های مختلف نسبت داده می‌شود و مطالعه پراپ درباره صد قصه اثبات کرد که آثار مشابه ساختاری یکسان دارند (همان: ۱۷۳). پراپ می‌گوید ما توالی عناصر ترکیبی را در قصه پریان بررسی کرده‌ایم. این عناصر برای طرح‌های مختلف یکسان‌اند. آن‌ها به شیوه‌ای معین یکدیگر را دنبال می‌کنند و یک کل را بوجود می‌آورند (همان: ۱۷۵).

روش‌شناسی

این پژوهش از نوع تحقیق کیفی با تکنیک تحلیل ساختارگرایانه است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات مصاحبه با افراد مسن و بومی یعنی حافظه شفاهی فولکلور و تهیه فیش از اسناد بوده است. جامعه آماری شامل کلیه قصه‌های عامیانه خراسان جنوبی بوده، محقق به شهرها و روستاهای خراسان جنوبی مراجعه کرده و از طریق ارتباط مستقیم با افراد سالمند قصه‌ها را جمع‌آوری نموده است. بخشی از داده‌ها نیز از طریق کتابخانه و مطالعه کتاب‌ها و مردم‌نگاری‌های شهرستان‌ها (بیرجند، نهندان، فردوس و بشرویه) که در آرشیو حوزه پژوهش و مطالعات اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی موجود می‌باشد به دست آمده است. از کل قصه‌های گردآوری شده تعداد ۳۱ قصه جهت تحلیل انتخاب شده‌اند.

یافته‌ها

۱- یافته‌های اولیه: در هر قصه خویشکاری آن براساس خویشکاری‌های پراپ مشخص شده و در آخر، تعداد خویشکاری‌ها و شخصیت‌ها بر اساس ۷ شخصیت تعیین شده پراپ مشخص گردیده است. خود قصه‌ها در پایان نامه کارشناسی ارشد فریبا کاهنی "تحلیل ساختاری

قصه‌های عامیانه خراسان جنوبی براساس الگوی ریخت شناسی ولادیمیر پراپ" (تابستان ۹۹) موجود می‌باشد.

۲- یافته‌های ثانویه: در این مرحله نخست قصه‌ها براساس موضوع تقسیم بندی و مرتب و بصورت زیر دسته‌بندی شده و در یک جدول با ذکر شروع و خاتمه قصه و همچنین پیامی که به همراه دارد مشخص گردیده است.

الف- دسته‌بندی قصه‌ها براساس موضوع

ب- بازنمایی خویشکاریهای قصه‌ها

ج- شخصیت‌های قصه‌ها

الف- قصه‌ها براساس موضوعی که به همراه دارند مطابق با جدول شماره ۱ تقسیم‌بندی شده‌اند، قصه‌های با موضوع پادشاهی ۹ مورد، قصه‌های اخلاقی و اجتماعی ۱۴ مورد، قصه‌های مذهبی و عاشقانه هر کدام ۲ مورد، قصه‌های حیوانات ۴ مورد می‌باشند. همچنین بیشتر داستان‌ها با نتیجه مثبت و رسیدن به مقصد نهایی خاتمه یافته، همراه با پند و اندرز می‌باشند.

جدول ۱- دسته‌بندی قصه‌ها بر اساس موضوع

شماره داستان	نام داستان	شروع داستان	پیام داستان	خاتمه داستان
از شماره ۱ تا ۹ داستان‌ها با موضوع پادشاهی				
۱	اوسنه خون	پادشاهی - رفاقت پسر شاه با پسر وکیل و وزیر	شرط گذاشتن	با خوبی و خوشی و مثبت تمام شد.
۲	خال	پادشاهی - مرگ پادشاه و تنگدستی خانواده	علاقه و مهر مادری	دوباره به پادشاهی رسیدن پسر. با خوبی و مثبت تمام می‌شود.
۳	کچلو و سه شرط	پادشاهی - دختر پادشاه و شرط ازدواج با دختر	شرط گذاشتن و همچنین غلبه بر شرایط	ازدواج با دختر پادشاه
۴	کار خدا	پادشاهی و وجود حاکمان	پیدا کردن سوال و شرط گذاشتن	به پادشاهی رسیدن و تمام شدن داستان با خوبی و خوشی

ادامه جدول ۱- دسته‌بندی قصه‌ها بر اساس موضوع

شماره داستان	نام داستان	شروع داستان	پیام داستان	خاتمه داستان
۵	پسران پادشاه	پادشاهی	درستکاری و صداقت	با به پادشاهی رسیدن و ازدواج پایان یافت.
۶	مرغ کور و آب شور	پادشاهی	آزادی	به نتیجه مثبت رسید و به محل زندگیش رسید (ضرب المثل است).
۷	افسانه پادشاه و رعیت	پادشاهی	رفتار خوب شاه با مردم عادی	به مقصدش رسید.
۸	دو برادر	زندگی عادی و برخورد با پادشاه	شانس آن است که آدمی کار و تلاش کند.	به ازدواج ختم نمی‌گردد.
۹	افسانه دختر شاه	پادشاهی	خیانت و فریبکاری کار خوبی نیست.	با ازدواج به دختر شاه ختم می‌شود.
از شماره ۱۰ تا ۲۳ داستان‌ها با موضوع اخلاقی اجتماعی				
۱۰	دهشاهی	آمدن مرد روستایی به شهر	دروغگویی مرد روستایی و فریب خوردن زن شهری	از دست دادن پول و پیروزی مرد روستایی
۱۱	دختر حکیم	پادشاهی - دوستی دختر حکیم و دختر پادشاه	خبردهی و خبرکشی کار خوبی نیست.	با مجازات و خشونت تمام شد.
۱۲	زبان سست	زندگی افراد عادی و بومی	خبر بردن و سست زبانی کار قبیحی است.	خوب شد و به این نتیجه رسید که دیگر زبان خودش را نگه دارد.
۱۳	آن دنیا	زندگی افراد عادی و بومی	حرفی کسی که انسان را راهنمایی می‌کند قبول کن.	با خوبی و خوشی و از مشکلات نجات یافتن به اتمام رسید.
۱۴	دروغگو	مهاجرت مرد روستایی به شهر	در امانت نباید خیانت کرد.	به خوبی و این که به روستایش برگشت تمام شد.
۱۵	سنگ سمور	ارتباط با ماورالطبیعه	صداقت و درستی صفتی نیکو است.	با ازدواج و خوشی تمام شد.
۱۶	کله و کوسه	زندگی افراد عادی و بومی	زرنگی و شهامت	به آرزویش رسید.

ادامه جدول ۱- دسته‌بندی قصه‌ها بر اساس موضوع

شماره داستان	نام داستان	شروع داستان	پیام داستان	خاتمه داستان
۱۷	حسین ترسوک	فرد عادی و بومی	ترس صفت خوبی نیست.	ترسش از بین رفت و به آرزویش رسید.
۱۸	دختر نه من ریسک	زندگی عادی و بومی	تنبلی و کار نکردن صفت خوبی نیست.	با ازدواج خاتمه یافت.
۱۹	شب ترس	زندگی عادی و برخورد با حیوان تخیلی	ترس صفت خوبی نیست.	ترسش از بین رفت و به خوبی با همسرش زندگی کرد.
۲۰	۵ برادر و خواهرشان	زندگی عادی و برخورد با حیوان تخیلی	--	با پیروزی و خوبی تمام می‌شود.
۲۱	دو برادر	زندگی عادی	فرد ساده لوح و دیوانه	با پیروزی و خوبی تمام شد.
۲۲	نامرد	زندگی عادی	عشق محارم درست نیست.	فرار دختر از خانه
۲۳	چوپان و سه دخترش	زندگی و برخورد با غیر آدمی زاد	حرف گوش نکردن	به ازدواج و همچنین از بین رفتن دختر خاتمه می‌یابد.
از شماره ۲۴ تا ۲۵ داستان‌ها با موضوع مذهبی				
۲۴	بی بی هور و بی بی نور	مادر اندر (زن بابا)	بدجنسی و رفتار بد زن بابا	با ازدواج با پسر تاجر و به خوبی و مثبت تمام می‌شود.
۲۵	مسلمان شدن یک خانواده	زندگی عادی و خانوادگی	گرایش به اسلام	به خوبی و خوشی پایان یافت.
از شماره ۲۶ تا ۲۷ داستان‌ها با موضوع عاشقانه				
۲۶	مقول دختر	عاشقانه	عشق چوپان به دختر تاجر	به نتیجه نمی‌رسد و سر به بیابان می‌گذارد.
۲۷	حیدر بیک و صنوبر	عشق و عاشقی	عشق دو طرفه	به ازدواج ختم می‌شود.
از شماره ۲۸ تا ۳۱ داستان‌ها با موضوع حیوانات				
۲۸	ککر	برخورد با حیوان خیالی و غیر آدمی زاد	سیاست و زرنگی	پیروز شدن و با خوبی و خوشی تمام شدن

ادامه جدول ۱- دسته‌بندی قصه‌ها بر اساس موضوع

شماره داستان	نام داستان	شروع داستان	پیام داستان	خاتمه داستان
۲۹	خاله خزیک	حیوانات	شناخت حیوانات	با ازدواج خاتمه یافت.
۳۰	افسانه رویاه کله دم	حیوانات	سیاست و نیرنگ رویاه	به مقصدش رسید.
۳۱	فاطمه شر خور	تخیلی و فردی غیر آدمی زاد	-	به خوبی و خوشی پایان یافت.

یافته‌ها می‌گویند که قصه با هر موضوعی که باشد نتیجه اش مثبت و رسیدن به مقصد است و همچنین بیشتر قصه‌ها با نصیحت، پیام و اندرزی همراه‌اند و حتی بعضی از قصه‌ها به صورت ضرب المثل درآمده‌اند که مردم در محاوره و گفتگو بسیار تکرار می‌کنند. خراسان جنوبی مردمی با فرهنگ و ادیب دارد که بیشتر روی نکات آموزنده تاکید دارند. بطور کلی داستان‌ها و همچنین ضرب المثل‌ها در فرهنگ مردم و با آنان آمیخته شده‌اند. پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها اغلب آن چه را که می‌خواستند برای نسل جوان و آیندگان بیان نمایند در قالب نصیحت و اندرز و به همراه قصه و ضرب المثل در شب‌های طولانی زمستان و همچنین در حین انجام فعالیت‌های کشاورزی و تولید صنایع دستی برای آنها نقل و نکات اخلاقی را گوشزد می‌نمودند.

ب- خویشتکاری‌ها جزء عناصر سازنده و ثابت قصه‌ها هستند و در حقیقت از سازه‌های بنیادین یک قصه محسوب می‌شوند و ۳۱ خویشتکاری تعریف شده پراپ در قصه‌های عامیانه خراسان جنوبی مطابق با جدول ۲ موجود می‌باشند.

ج- بازنمایی شخصیت‌ها، شخصیت عملی است که فرد انجام می‌دهد و نقش خود را ایفاء می‌نماید و به فردیت خویش معنا می‌دهد. پراپ وجود هفت شخصیت رادر قصه‌ها اثبات می‌کند که در قصه‌های عامیانه خراسان جنوبی هم مطابق جدول ۳ وجود دارند.

جدول ۲- بازنمایی خوشکاری‌ها

ردیف	نام داستان	خوشکاری																
		تجرب	تفسیر	تفسیر	تفسیر	تفسیر	تفسیر	تفسیر	تفسیر	تفسیر	تفسیر	تفسیر	تفسیر	تفسیر	تفسیر	تفسیر	تفسیر	
۱	اوسنه خون																	در این داستان بیشترین خوشکاری واکنش قهرمان و نپیی و نقض نپیی بوده است و در پایان به خوبی و خوشی خاتمه می یابد.
۲	خال																	در این داستان بیشترین خوشکاری نپیی و نقض نپیی به صورت پرسش و پاسخ و خبردهی و خبرگیری و همچنین انتقال مکانی است و در پایان به خوبی و خوشی خاتمه می یابد.
۳	کچلو و سه شرط																	همه خوشکاری‌ها . البته مهمترین خوشکاری همان انجام کار دشوار و بردن شرطها و غروسی با دختر پادشاه است.

ادامه جدول ۲- بازنمایی خویشکاری‌ها

ردیف	نام داستان	خویشکاری		تعیین	نهی و نقض نهی	خبرگویی و خبردهی	فریبکاری	همدستی	سرارب	روماد بی‌وفه دهنده	نیاز	معاذله آغازین	عزیمت و یازگستا	خویشکاری پخشنده	واکنش قهرمان	دریافت سی جادویی	انتقال مکانی	کسبکن	داغ نهادن	ببروزی	رفع مشکل	تعجب	تجارت	رسیدن به ناسناختگی	ادعای بی پایه	کار دشوار	حل مسئله	سناختن	رسوایی	تفسیر شکل	مجازات سرب	عروسی	نسخه
		۱	۲																														
۴	کار خدا	۶	۲							۱			۱	۲	۱									۱	۲								بیشترین خویشکاری نهی و نقض نهی به صورت پرسش و پاسخ است و خویشکاری پخشنده و همچنین در این داستان به صورت پند و اندرز و مانند بقیه به خوبی و خوشی پایان می یابد.
۵	پسران پادشاه	۱	۵		۱			۱		۱				۴	۲		۱				۱			۲	۲		۲				۱		بیشترین خویشکاری نهی و نقض نهی و عروسی در وسط داستان است ولی به خوبی پایان می یابد.
۶	مرغ کور و آب شور				۱	۲							۱	۱	۱									۱									بیشترین خویشکاری خبرگیری و خبردهی است و این داستان تبدیل به شرب المثل شده است اما به خوبی خاتمه می یابد.
۷	افسانه پادشاه و رعیت				۴	۶							۳	۱	۲				۱	۱				۲									بیشترین خویشکاری خبرگیری و خبردهی و اما جرأت و شهامت مرد روستایی است.
۸	دو برادر				۱	۶							۲	۲	۳									۱									بیشترین خویشکاری خبردهی و خبرگیری و واکنش قهرمان و همچنین همراه با یک پند و اندرز است.
۹	افسانه دختر شاه				۱	۳	۳	۲	۳	۲			۱	۲	۱									۲			۱	۱	۳	۱	۱		بیشترین خویشکاری قریب و نیرنگ و خبردهی و خبرگیری از چندین داستان تشکیل شده است و همچنین عروسی در وسط داستان می یابد.

ادامه جدول ۲- بازنمایی خوشکاری‌ها

ردیف	نام داستان	خوشکاری	نهی و نقض نهی	خبرگیری و خبردهی	قرینکاری	همدستی	سزای	روداد پیوند دهنده	نیاز	مقایله آغازین	عزیمت و بازگشت	خوشکاری بخشیده	واکنش قهرمان	دریافت سعی جادویی	انتقال مکانی	کشمکش	داغ نهادن	ببروی	رفع مشکل	عقوب	تجارت	رسیدن به ناشناختگی	ادعای بی پایه	کار دشوار	حل مسئله	سناختن	رسوایی	تفسیر شکل	مجازات سربر	ترویسی	نتیجه
۱۰	ده شاهی	۱		۲	۱		۱				۲		۱																		بیشترین خوشکاری خبرگیری و قرین و نیرنگ است و پند داستان این که از زود یآوری افراد نباید سوء استفاده کرد.
۱۱	دختر حکیم			۲			۱	۱		۱			۱			۱											۱				بیشترین خوشکاری خبردهی و خبرگیری است و پند و اندرز آن این که خبر بردن کار قبیحی است و می تواند مشکلات بعدی را به بار آورد.
۱۲	زبان سست			۲	۱			۱			۲	۲	۲			۱						۲									بیشترین خوشکاری واکنش قهرمان و خوشکاری بخشنده است و پند آن این که انسان باید جلوی زبانش را بگیرد.
۱۳	آن دنیا			۱	۱		۱	۱			۲	۱	۲	۱					۱			۱	۱	۱							بیشترین خوشکاری واکنش قهرمان و عزیمت و بازگشت است و اما سادگی مرد شرارت ایست که گول می خورد و حرف دیگری را قبول می کند.
۱۴	دروغگو		۱	۲				۳			۱						۱	۱	۱		۱	۲		۱			۱				بیشترین خوشکاری روداد پیونده دهنده خبرگیری و نقض و نقض نهی و ناشناختگی است اما این که دروغگویی کار زشتی است و انسان رسوا می شود.

ادامه جدول ۲- بازنمایی خوشکاری‌ها

ردیف	نام داستان	خوشکاری	غیبت	نهی و نفی نهی	خبرگیری و خبردهی	فریبکاری	همدستی	سزای	روداد پیوند دهنده	نیاز	مقایله آغازین	عزیمت و بازگشت	خوشکاری پختنده	واکنش قهرمان	دریافت سی جادویی	انفعال مکانی	کسب کسب	داغ نهادن	نیروزی	رفع مشکل	عقوبت	تجارت	رسیدن به ناسناختگی	احضار بی پایه	کار دشوار	حل مسئله	سناختن	رسوایی	تفسیر شکل	مجازات سربر	عروضی	نتیجه
۱۵	سنگ سمور (صبور)	۱				۱			۲				۱		۱			۱					۲								۲	بیشترین خوشکاری رویداد پیوند دهنده و ناسناختگی وهمچنین عروضی است و در همه داستان‌ها عروضی در پایان صورت می‌گیرد اما در اینجا دو دفعه یکی در وسط و دیگری در پایان می‌آید.
۱۶	کله و کوسه			۳	۱			۲			۲							۱				۱										بیشترین خوشکاری قریب و تیرنگ است و همچنین پیوند دهنده و عزیمت است و اما با قریب به پول می‌رسند و پیروز می‌شوند.
۱۷	حسین ترسوک	۱				۱		۱				۲			۱							۱	۱						۱			بیشترین خوشکاری عزیمت و بازگشت است و اینکه قهرمان با زندگی به پیروزی و نجات می‌رسد.
۱۸	دختر نه من ریسک	۱				۱						۱	۱	۱				۱	۱	۱				۱								خوشکاریها که همه برآورد و اما عروضی در اول داستان صورت می‌گیرد و همچنین مانند بقیه داستان‌ها به خوبی خاتمه می‌یابد.
۱۹	شب ترس	۱						۱	۱				۲				۱	۱	۱				۱						۱			بیشترین خوشکاری عزیمت و بازگشت است اما این پیام را دارد که وقتی بتواند انسان بر چیزی غلبه کند ترس او هم از بین می‌رود و در پایان به خوبی با همسرش زندگی می‌کند.
۲۰	۵ برادر و خواهرشان				۲				۱			۳			۱	۱	۱													۱		بیشترین خوشکاری خبرگیری و خبردهی و عزیمت و بازگشت است اما مانند همه داستان‌ها به خوبی خاتمه می‌یابد.

ادامه جدول ۲- بازنمایی خویشکاری‌ها

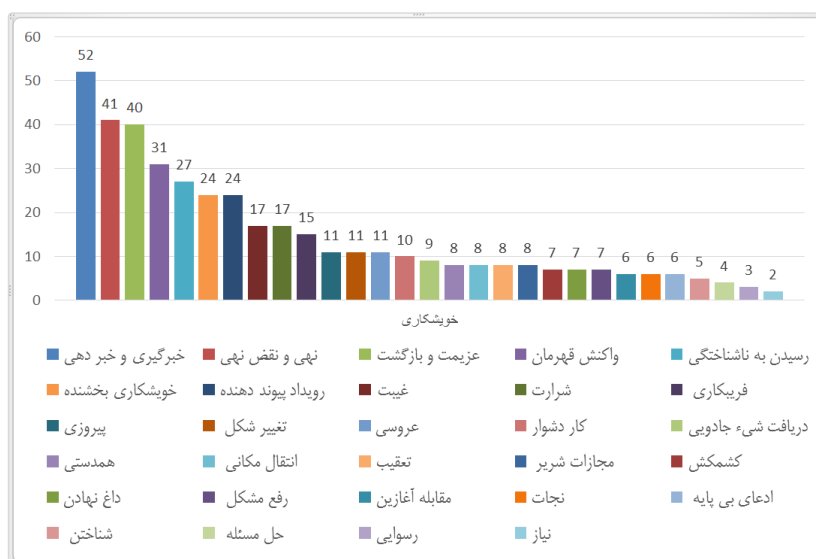
ردیف	نام داستان	خویشکاری	شعبه	نهی و نقض نهی	خبرگیری و خبردهی	فربکاری	مهندسی	سزات	رویداد بی‌وفه دهنده	نیاز	مقابله آغازین	عزیمت و بازگشت	خویشکاری پخته‌شده	واکنش پهرمان	در یافتن سوس جادویی	انتقال مکانی	کشمکش	داغ نهادن	پیروزی	رفع مشکل	تعجب	نیجات	رسیدن به ناشناختگی	ادعای نبی یابه	کار دشوار	حل مسئله	شناختن	رسوایی	تغییر شکل	مجازات سزای	عروسی	نسخه
																																نسخه
۲۱	دو برادر	۱	۲	۲	۲	۱	۱	۱				۲	۱	۱	۱				۱				۱		۱						بیشترین خویشکاری عزیمت و بازگشت و همچنین خبردهی و خبرگیری نهی و نقض نهی است اما مانند داستان های دیگر به خوبی خاتمه می یابد.	
۲۲	نامرد	۱	۲	۲			۱																۱								بیشترین خویشکاری نهی و نقض نهی است و یک پند و اندرز در آن می باشد و نهی کردن از دواغ یا محارم	
۲۳	چوپان و سه دخترش			۲				۱	۱	۱	۱	۲				۱		۱					۱	۱					۱		بیشترین خویشکاری عزیمت و بازگشت و نهی و نقض نهی است و همچنین برخلاف بقیه داستان ها پایان خوبی ندارد.	
۲۴	بی بی هور و بی بی نور							۱				۲			۱	۱					۱		۲	۱	۱				۱		بیشترین خویشکاری ناشناختگی و عزیمت و بازگشت است اما برخلاف بقیه داستان ها عروسی در وسط داستان می باشد ولی پایان خوبی دارد.	
۲۵	مسلمان شدن یک خانواده			۲					۱					۱	۱							۱						۱			بیشترین خویشکاری نهی و نقض نهی است ولی یک پیام دارد و آن گرایش به اسلام و معجزه خداوند است.	

ادامه جدول ۲- بازنمایی خوشکاری‌ها

ردیف	نام داستان	خوشکاری																															
		غیب	نهی و نقض نهی	خوبی	قرینکاری	همدستی	سراز	رویداد نبود دهنده	نیاز	مقابله آغازین	عزیمت و بازگشت	بازگشت قهرمان	واکنش قهرمان	جمله‌ها	انتقال مکانی	کسب‌کنس	داغ نهادن	ببروزی	رفع مشکل	تعجب	شناختن	نیابت	ناشناختگی	ادعای بی پایه	کار دیوار	حل مسئله	شناختن	رسوایی	تغییر شکل	مجازات سربر	عروسی	نتیجه	
۲۶	مقول دختر	۱							۱				۱				۱																خوشکاری‌ها مانند هم هستند ولی پیام داستان این که هرکس درحد خودش باید عاقل شود و خوشکاری کند.
۲۷	حیدر بیک و صنوبر	۱										۱					۱															در اینجا بیشترین خوشکاری بخشیده است و در این داستان دو قهرمان داریم و البته پایان آن به خوبی و عروسی خاتمه می یابد.	
۲۸	ککر																						۱									در اینجا بیشترین خوشکاری عزیمت و بازگشت و واکنش قهرمان و خبرگیری و خبردهی است اما مانند بقیه داستان‌ها پایان خوبی دارد.	
۲۹	خاله خریک	۲										۲																				در این داستان بیشترین خوشکاری خبرگیری و خبر دهی است و عروسی هم دو دفعه صورت می گیرد و پایان خوبی دارد.	
۳۰	افسانه روپاه کله دم																						۱									بیشترین خوشکاری فریب و تیرنگ است و همچنین قهرمان داستان که روپاه است نقش شیر را هم دارد و بقیه را فریب می دهد اما پایان آن به خوبی می باشد.	
۳۱	فاطمه شر خور	۱																					۱									بیشترین خوشکاری عزیمت و بازگشت است و بقیه خوشکاریها یکی است و مانند بقیه داستان‌ها به خوبی پایان می یابد.	
جمع خوشکاریها		۸۱	۱۴	۱۵	۵۱	۷	۸۱	۱	۶	۰۹	۱۱	۱۴	۵	۷	۸	۸	۸	۱۱	۸	۷	۶	۸۱	۶	۰	۴	۵	۴	۷	۱۱	۱۱			
نتیجه		در این فاصله از ۳۱ خوشکاری پراب استفاده شده و خوشکاری‌های خبرگیری و خبردهی و همچنین نهی و نقض نهی در یک آیت محاسبه گردیده است. بیشترین خوشکاریها بترتیب خبرگیری و خبردهی ۵۲، نهی و نقض نهی ۴۱، عزیمت و بازگشت ۴۰، واکنش قهرمان ۳۱، رسیدن به ناشناختگی ۲۷، رویداد پیوند دهنده ۲۴ می باشند و همچنین کمترین خوشکاریها بترتیب نیاز، رسوایی ۳، حل مسئله ۴، شناختن ۵ می باشند.																															

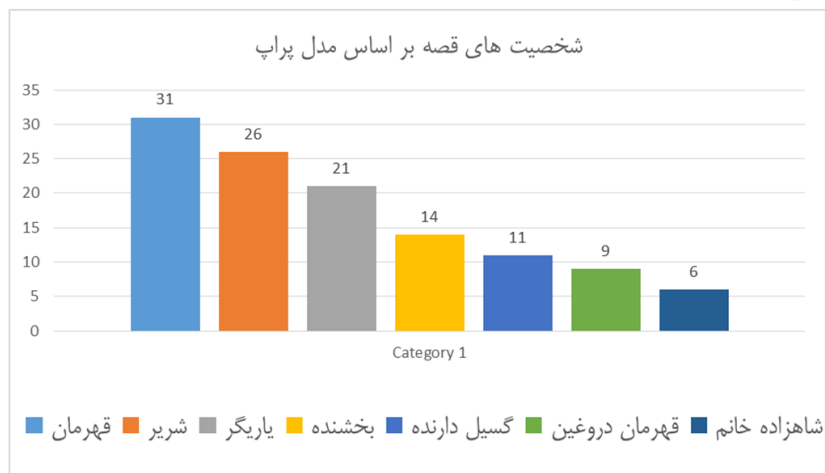
جدول ۴- مقایسه فراوانی خویشتکاریها و شخصیت‌های تعریف شده پراپ در قصه‌های عامیانه خراسان جنوبی

ردیف	ترتیب خویشتکاریهای بکار رفته در قصه‌ها	براساس فراوانی	ردیف	ترتیب شخصیت‌های بکار رفته در قصه‌ها	براساس فراوانی
۱	خبرگیری و خبردهی	۱	۱	قهرمان	
۲	نهی و نقض نهی	۲	۲	شریر	
۳	عزیمت و بازگشت	۳	۳	یارینگر	
۴	واکنش قهرمان	۴	۴	بخشنده	
۵	رسیدن به ناشناختگی	۵	۵	گسیل دارنده	
۶	شناختن	۶	۶	قهرمان دروغین	
۷	حل مسئله	۷	۷	شاهزاده خانم	



نمودار ۱- نمودار آماری خویشتکاری‌های قصص عامیانه خراسان جنوبی

نتیجه: در این قصص ۳۱ خویشتکاری پراپ قابل تشخیص است اما بیشترین تکرار با خویشتکاری خبرگیری و خبردهی است.



نمودار ۲- نمودار فراوانی شخصیت‌ها

نتیجه‌گیری

نتایج نشان می‌دهند که الگوی پراپ با قصه‌های عامیانه خراسان جنوبی و همچنین مطالعات انجام شده پیشین مطابقت دارد. ۳۱ خویشکامی پراپ و همچنین ۷ شخصیت تعریف شده او در قصه‌های عامیانه خراسان جنوبی و همچنین پژوهش‌های انجام شده توسط رسولی بلاوی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله ریخت‌شناسی قصه حضرت موسی (ع)، میرهاشمی و سعادت‌نیا (۱۳۹۵) در پژوهش داستان نظامی، فرضی و فخریمی فاریابی (۱۳۹۶) در ریخت‌شناسی منظومه گل و نرروز خواجه کرمانی و غیره با الگوی پراپ مطابقت دارند. در پژوهش حاضر و مطالعه فرضی و فخریمی فاریابی (۱۳۹۶) عدم توالی کارکردها و همچنین حذف برخی از کارکردها در قصه‌ها مشاهده می‌شود و الگوی پراپ به طور کامل در حرکت‌های داستان رعایت نشده است.

در این پژوهش و بر اساس نمودارهای رسم شده بیشترین خویشکامی خبرگیری و خبردهی، نهی و نقض نهی که بیشتر به صورت پرسش و پاسخ هستند برای قهرمان پیش می‌آید که این آغاز حرکت داستان است. سپس خویشکامی عزیمت، خودش را نشان می‌دهد؛ در این مرحله شخصیت شریر نمایان گشته، افرادی پیدا می‌شوند که برای قهرمان مشکلات و موانعی ایجاد می‌کنند. تعدادی به عنوان یاریگر و بخشنده، قهرمان را در مسیر کمک می‌کنند و خویشکامی‌های واکنش قهرمان و رسیدن به ناشناختگی به ظهور می‌رسد. در پایان هم قهرمان یا به مقصد

می‌رسد و یا با شکست روبرو می‌شود و داستان هم به انتها می‌رسد. البته در قصه‌های عامیانه خراسان جنوبی بیشتر قصه‌ها با خوبی و خوشی و همچنین رسیدن به مقصد خاتمه می‌یابد. مردم استان خراسان جنوبی تحت تاثیر اقلیمی که در آن زندگی می‌کنند افراد سازگار و قانع هستند و خودشان را با موقعیت‌های سخت تطبیق می‌دهند پس نیاز و طلب درخواست چیزهای متفاوت، برای آن‌ها زیاد مهم نیست. بعضی از داستان‌ها حتی به صورت ضرب المثل درآمده‌اند مانند داستان شماره ۶ یعنی مرغ کور و آب شور که حکایتش این است که هر کس که به یک محیط عادت می‌کند همان جا را برای زندگی انتخاب می‌کند هرچند که آن محیط از نظر آب و هوایی مناسب نباشد. در داستان شماره ۱۸ یعنی نه من ریسک چون همیشه کارها را بر خودشان ترجیح می‌دهند و اول وظایف و کاری را که دارند به نحو احسن انجام دهند، هر کس که سرش خیلی شلوغ است و مشغول انجام وظایفش می‌باشد را می‌گویند: به سرم ریز به برم ریز که مجال خوردنم نیست که در این داستان هم آمده است. همچنین چون مردم این منطقه اعتقادات مذهبی محکمی دارند، داستان شماره ۲۴ یعنی بی بی هور و بی بی نور اصلاً جزء آداب و مراسم مذهبی آن‌ها شده است یعنی هر کس مشکلی دارد این آتش را نذر می‌کند و می‌پزد و جزء آئین‌ها و مراسم مذهبی می‌باشد.

منابع

- ازکیا، مصطفی و مختارپور (۱۳۹۱). نظریه‌های اجتماعی معاصر با رویکرد توسعه. چاپ ۱. تهران: علم.
- بلای. رسول، خضری. علی، شیخیانی. علیرضا (۱۳۹۶). ریخت شناسی قصه حضرت موسی (ع) در قرآن کریم براساس نظریه ولادیمیر پراپ. پژوهشنامه معارف قرآنی. سال ۷. شماره ۲۷. صص ۱۷۷-۱۶۱.
- تولان. مایکل (۱۳۸۳). درآمدی نقادانه از باز شناختی بر روایت. ترجمه ابوالفضل حری. چاپ ۱. تهران: بنیاد سینمایی فارابی.
- جعفری قنوتی. محمد (۱۳۸۴). تعرف فرهنگ عامه یا تعیین موضوعات آن. کتاب ماه کودک و نوجوان. شماره ۹۱. صص ۱۰۵-۱۰۲.
- جواری. محمد حسین، رضایی. مهناز (۱۳۹۵). ساختار اسطوره و زبان، ساختار خویشاوندی و زبان در مردم شناسی ساختاری کلود لوی استروس. دو ماهنامه جستارهای زبانی. دوره ۷۵. شماره ۵. پیاپی ۳۳. صص ۶-۴۳.
- جهانبگلو. رامین (۱۳۸۴). موج چهارم. ترجمه منصور گودرزی. چاپ ۴. تهران: نی.
- حسنعلی پور. حسن (۱۳۹۵). فولکلور، ادبیات عامیانه. فصلنامه رشد زبان و ادب فارسی. شماره ۱۱۷. صص ۳۸-۱.
- فرضی. حمیدرضا، فخریمی فاریابی. فرناز (۱۳۹۶). ریخت شناسی منظومه گل و نوروز خواجه‌جوی کرمانی براساس نظریه ولادیمیر پراپ. فنون ادبی. سال ۹. شماره ۲. پیاپی ۱۹. صص ۱۳۲-۱۱۹.
- فورجانی زاده. شکوه، خراسانی. محبوبه، رشیدی. مرتضی (۱۳۹۸). نگاهی به کاربرد نادرست و مکانیکی نظریه ریخت شناسی پراپ در متون ادب فارسی. فصلنامه علمی پژوهشی نقد ادبی. سال ۱۲. شماره ۴۶. صص ۱۸۷-۱۵۵.
- فهندژ سعدی. فرزانه (۱۳۹۴). تعریف فرهنگ عامه یا تعیین موضوعات آن. کتاب ماه کودک و نوجوان. شماره ۹۱. صص ۱۰۵-۱۰۲.
- مظفریان. علیرضا (۱۳۹۱). ویژگی‌های بنیادی سبک‌های شعر فارسی. تاریخ ادبیات. شماره ۷۱. صص ۲۹۲-۲۶۵.
- منتظرپناه. زهرا (۱۳۹۰). بررسی ساختار روایی داستان‌های مثنوی براساس نظریه پراپ و گرماس. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه قم.
- موسوی رضوی. میرسعید (۱۳۹۷). شرح چستی ساختارگرایی با اتکاء به آرای سوسور، لوی استروس و پراپ و واکاوی ردپای تفکر ساختارگرا در نظریه معاصر. پژوهش ادبیات معاصر جهان. دوره ۲۳. شماره ۲. صص ۲۹۷-۲۹۵.

- میرشکرائی. محمد (۱۳۸۳). **پیران و پریان نوروز، قصه‌ها و باورها**. نامه پژوهشگاه میراث فرهنگی. دوره ۲. شماره ۷. پیاپی ۷.
- میرهاشمی. سید مرتضی، سعادت‌نی‌ا. زهرا (۱۳۹۵). **ریخت شناسی افسانه ماهان مصری براساس نظریه ولادیمیر پراپ**. متن پژوهی ادبی. سال ۲۰. شماره ۷۰. صص ۸۹-۷۳.